

انجمن کلیسای اورشلیم

¹ و تنی چند از یهودیه آمده، برادران را تعلیم می‌دادند که اگر برحسب آیین موسی مختون نشوید، ممکن نیست که نجات یابید.² چون پولس و برنابا را منازعه و مباحثه بسیار با ایشان واقع شد، قرار بر این شد که پولس و برنابا و چند نفر دیگر از ایشان نزد رسولان و کشیشان در اورشلیم برای این مسأله بروند.³ پس کلیسا ایشان را مشایعت نموده از فینیقیه و سامره عبور کرده، ایمان آوردن امّت‌ها را بیان کردند و همه برادران را شادی عظیم دادند.⁴ و چون وارد اورشلیم شدند، کلیسا و رسولان و کشیشان ایشان را پذیرفتند و آنها را از آنچه خدا با ایشان کرده بود، خبر دادند.⁵ آنگاه بعضی از فرقه فریسیان که ایمان آورده بودند، برخاسته، گفتند: اینها را باید ختنه نمایند و امرکنند که سنن موسی را نگاه دارند.

⁶ پس رسولان و کشیشان جمع شدند تا در این امر مصلحت بینند.⁷ و چون مباحثه سخت شد، پطرس برخاسته، بدیشان گفت: ای برادران عزیز، شما آگاهید که از ایّام اوّل، خدا از میان شما اختیار کرد که امّت‌ها از زبان من کلام بشارت را بشنوند و ایمان آورند.⁸ و خدای عارفالقلوب بر ایشان شهادت داد بدین که روح‌القدس را بدیشان داد، چنانکه به ما نیز.⁹ و در میان ما و ایشان هیچ فرق نگذاشت، بلکه محض ایمان دلهای ایشان را طاهر نمود.¹⁰ پس اکنون چرا خدا را امتحان می‌کنید که یوغی بر گردن شاگردان می‌نهد که پدران ما و ما نیز طاقت تحمل آن را نداشتیم،¹¹ بلکه اعتقاد داریم که محض فیض خداوند عیسی مسیح نجات خواهیم یافت، همچنان که ایشان نیز.¹² پس تمام جماعت ساکت شده، به برنابا و پولس گوش گرفتند چون آیات و معجزات را بیان می‌کردند که خدا در میان امّت‌ها به وساطت ایشان ظاهر ساخته بود.

¹³ پس چون ایشان ساکت شدند، یعقوب رو آورده، گفت: ای برادران عزیز، مرا گوش گیرید.¹⁴ شمعون بیان کرده است که چگونه خدا اوّل امّت‌ها را تفقد نمود تا قومی از ایشان به نام خود بگیرد.¹⁵ و کلام انبیا در این مطابق است چنانکه مکتوب است:¹⁶ که بعد از این رجوع نموده، خیمه داود را که افتاده است باز بنا می‌کنم و خرابیهای آن را باز بنا می‌کنم و آن را برپا

¹ And certain men which came down from Judaea taught the brethren, and said, Except ye be circumcised after the manner of Moses, ye cannot be saved.² When therefore Paul and Barnabas had no small dissension and disputation with them, they determined that Paul and Barnabas, and certain other of them, should go up to Jerusalem unto the apostles and elders about this question.³ And being brought on their way by the church, they passed through Phenice and Samaria, declaring the conversion of the Gentiles: and they caused great joy unto all the brethren.⁴ And when they were come to Jerusalem, they were received of the church, and of the apostles and elders, and they declared all things that God had done with them.⁵ But there rose up certain of the sect of the Pharisees which believed, saying, That it was needful to circumcise them, and to command them to keep the law of Moses.⁶ And the apostles and elders came together for to consider of this matter.⁷ And when there had been much disputing, Peter rose up, and said unto them, Men and brethren, ye know how that a good while ago God made choice among us, that the Gentiles by my mouth should hear the word of the gospel, and believe.⁸ And God, which knoweth the hearts, bare them witness, giving them the Holy Ghost, even as he did unto us;⁹ And put no difference between us and them, purifying their hearts by faith.¹⁰ Now therefore why tempt ye God, to put a yoke upon the neck of the disciples, which neither our fathers nor we were able to bear?¹¹ But we believe that through the

grace of the Lord Jesus Christ we shall be saved, even as they.¹² Then all the multitude kept silence, and gave audience to Barnabas and Paul, declaring what miracles and wonders God had wrought among the Gentiles by them.¹³ And after they had held their peace, James answered, saying, Men and brethren, hearken unto me:¹⁴ Simeon hath declared how God at the first did visit the Gentiles, to take out of them a people for his name.¹⁵ And to this agree the words of the prophets; as it is written,¹⁶ After this I will return, and will build again the tabernacle of David, which is fallen down; and I will build again the ruins thereof, and I will set it up:¹⁷ That the residue of men might seek after the Lord, and all the Gentiles, upon whom my name is called, saith the Lord, who doeth all these things.¹⁸ Known unto God are all his works from the beginning of the world.¹⁹ Wherefore my sentence is, that we trouble not them, which from among the Gentiles are turned to God:²⁰ But that we write unto them, that they abstain from pollutions of idols, and from fornication, and from things strangled, and from blood.²¹ For Moses of old time hath in every city them that preach him, being read in the synagogues every sabbath day.²² Then pleased it the apostles and elders, with the whole church, to send chosen men of their own company to Antioch with Paul and Barnabas; namely, Judas surnamed Barsabas, and Silas, chief men among the brethren:²³ And they wrote letters by them after this manner; The apostles and elders and brethren send greeting unto the

خواهم کرد،¹⁷ تا بقیه مردم طالب خداوند شوند و جميع اُمّت‌هایی که بر آنها نام من نهاده شده است.¹⁸ این را می‌گوید خداوندی که این چیزها را از بدو عالم معلوم کرده است.¹⁹ پس رأی من این است، کسانی را که از اُمّت‌ها به سوی خدا بازگشت می‌کنند زحمت نرسانیم،²⁰ مگر اینکه ایشان را حکم کنیم که از نجاسات بتها و زنا و حیوانات خفه‌شده و خون پیریزند.²¹ زیرا که موسی از طبقات سَلَف در هر شهر اشخاصی دارد که بدو موعظه می‌کنند، چنانکه در هر سَبّت در کنایس او را تلاوت می‌کنند.

نتیجه انجمن کلیسای اورشلیم

²² آنگاه رسولان و کشیشان با تمامی کلیسا بدین رضا دادند که چند نفر از میان خود انتخاب نموده، همراه پولس و برنابا به انطاکیّه بفرستند، یعنی یهودای مَلَقَب به برسابا و سیلاس که از پیشوایان برادران بودند.²³ و بدست ایشان نوشتند که: رسولان و کشیشان و برادران، به برادران از اُمّت‌ها که در انطاکیّه و سوریه و قیلیقیّه می‌باشند، سلام می‌رسانند.²⁴ چون شنیده شد که بعضی از میان ما بیرون رفته، شما را به سخنان خود مشوّش ساخته، دل‌های شما را منقلب می‌نمایند و می‌گویند که می‌باید مختون شده، شریعت را نگاه دارید و ما به ایشان هیچ امر نکردیم.²⁵ لهذا ما به یک دل مصلحت دیدیم که چند نفر را اختیار نموده، همراه عزیزان خود برنابا و پولس به نزد شما بفرستیم، اشخاصی که جانهای خود را در راه نام خداوند ما عیسی مسیح تسلیم کرده‌اند.²⁷ پس یهودا و سیلاس را فرستادیم و ایشان شما را از این امور زبانی خواهند آگاهانید.²⁸ زیرا که روح‌القدس و ما صواب دیدیم که باری بر شما ننهیم جز این ضروریات²⁹ که از قربانی‌های بت‌ها و خون و حیوانات خفه شده و زنا پیریزید که هر گاه از این امور خود را محفوظ دارید به نیکویی خواهید پرداخت والّسلام.

³⁰ پس ایشان مرخّص شده، به انطاکیّه آمدند و جماعت را فراهم آورده، نامه را رسانیدند.³¹ چون مطالعه کردند، از این تسلّی شادخاطر گشتند.³² و یهودا و سیلاس چونکه ایشان هم نبی بودند، برادران را به سخنان بسیار، نصیحت و تقویت نمودند.³³ پس چون مدّتی در آنجا بسر بردند، به سلامتی از برادران رخصت گرفته، به سوی فرستندگان خود توجّه

brethren which are of the Gentiles in Antioch and Syria and Cilicia:²⁴ Forasmuch as we have heard, that certain which went out from us have troubled you with words, subverting your souls, saying, Ye must be circumcised, and keep the law: to whom we gave no such commandment:²⁵ It seemed good unto us, being assembled with one accord, to send chosen men unto you with our beloved Barnabas and Paul,²⁶ Men that have hazarded their lives for the name of our Lord Jesus Christ.²⁷ We have sent therefore Judas and Silas, who shall also tell you the same things by mouth.²⁸ For it seemed good to the Holy Ghost, and to us, to lay upon you no greater burden than these necessary things;²⁹ That ye abstain from meats offered to idols, and from blood, and from things strangled, and from fornication: from which if ye keep yourselves, ye shall do well. Fare ye well.³⁰ So when they were dismissed, they came to Antioch: and when they had gathered the multitude together, they delivered the epistle:³¹ Which when they had read, they rejoiced for the consolation.³² And Judas and Silas, being prophets also themselves, exhorted the brethren with many words, and confirmed them.³³ And after they had tarried there a space, they were let go in peace from the brethren unto the apostles.³⁴ Notwithstanding it pleased Silas to abide there still.³⁵ Paul also and Barnabas continued in Antioch, teaching and preaching the word of the Lord, with many others also.³⁶ And some days after Paul said unto Barnabas, Let us go again and visit our brethren in every city where

نمودند.³⁴ اما پولس و برنابا در انطاکیه توقف نموده،³⁵ با بسیاری دیگر تعلیم و بشارت به کلام خدا می‌دادند.

دومین مأموریت پولس و برنابا

³⁶ و بعد از ایام چند، پولس به برنابا گفت: برگردیم و برادران را در هر شهری که در آنها به کلام خداوند اعلام نمودیم، دیدن کنیم که چگونه می‌باشند.³⁷ اما برنابا چنان مصلحت دید که یوحنا ملقب به مرقس را همراه نیز بردارد.³⁸ لیکن پولس چنین صلاح دانست که شخصی را که از پمفلیه از ایشان جدا شده بود و با ایشان در کار همراهی نکرده بود، با خود نبرد.³⁹ پس نزاعی سخت شد به حدی که از یکدیگر جدا شده، برنابا مرقس را برداشته، به قیّرس از راه دریا رفت.⁴⁰ اما پولس سیلاس را اختیار کرد و از برادران به فیض خداوند سپرده شده، رو به سفر نهاد.⁴¹ و از سوریه و قیلیقیه عبور کرده، کلیساهای را استوار می‌نمود.

we have preached the word of the Lord, and see how they do.³⁷ And Barnabas determined to take with them John, whose surname was Mark.³⁸ But Paul thought not good to take him with them, who departed from them from Pamphylia, and went not with them to the work.³⁹ And the contention was so sharp between them, that they departed asunder one from the other: and so Barnabas took Mark, and sailed unto Cyprus;⁴⁰ And Paul chose Silas, and departed, being recommended by the brethren unto the grace of God.⁴¹ And he went through Syria and Cilicia, confirming the churches.